

به نام خدایی که در این نزدیکی است

نامه یک مددکار اجتماعی به رییس جمهور :  
**تیر خلاص « آقای روحانی » به بهزیستی و حیثیت فقرا**

امیدوارم یک جمعه ایی بیاید که شما این یادداشت را بخوانید. این یادداشت به عنوان یک مددکار اجتماعی شهروند مسوول در قبال مردم و کشور عزیزش ایران اسلامی (شخصیت حقیقی) و کمی هم مطلع نسبت به حوزه اجتماعی است و کسی می نویسد که دکتری مددکاری اجتماعی است و هنگام فارغ التحصیلی سوگند یاد کرده که منافع مردم را بر منافع فردی ترجیح دهد. کسی که حضرت علی (ع) بزرگ مددکار عالم اسلام را در زندگی دارد. قصدم نیست خودم را به شما معرفی کنم چون برای شما مهم نیست. فقط می خواهم بدانید که ۲۷ سال سابقه در سطوح مختلف مدیریتی و کارشناسی در بهزیستی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سناد مبارزه با مواد مخدر، سازمان برنامه و بودجه، ... دارم و بیش از چهل جلد کتاب نوشتم. یکی از کارهای کوچکم اورژانس اجتماعی است که مهمترین برنامه اجتماعی دو دهه اخیر در کشور و در فدراسیون جهانی مددکاران اجتماعی شناخته شده است. ولی از پشت میز مددکاری اجتماعی کارم را شروع کردم. برای من مهم است از این بابت که بدانید این یادداشت فرد کم تجربه ایی نیست که از روی هوا و هوس نوشته باشد یا بخواهد در حوزه اجتماعی دیده شده یا شناخته شود. با اطمینان می گویم که اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در حوزه اجتماعی و سیاستگذاری اجتماعی، مسایل و آسیب های اجتماعی و ... در این دو دهه کار کرده باشند من را می شناسند چون درس های زیادی از آنان آموختم. فرد کم تجربه ایی نیستم و کم هوش هم نیستم که ندانم نقد کارشناسانه چقدر هزینه دارد. چون بارها هم خودم و هم خانواده ام پرداخت کرده ایم. الان که این نامه را می نویسم، دارم پرداخت می کنم. بعد از این یادداشت هم حتما شما و مدیران تان به شکل های مختلف دستور پرداخت هزینه دیگری را خواهید داد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: با تقواترین مردم کسی است که حق را بگوید، چه به سودش باشد چه به زیانش. از امام علی (ع) هم آموختم که حقیقت را بگویم حتی اگر به زیان من باشد. هم ایشان که در عهد نامه مالک اشتر تاکید می کند برگزیده ترین (مدیر) تو کسی باشد که سخن تلخ حق را بگوید. این یادداشت را می نویسم تا بگویم با افتتاح مراکز به اصطلاح مثبت زندگی (من از آن به عنوان مصیبت اجتماعی یاد می کنم) تیر خلاص را بر پیکر نحیف بهزیستی زدید و خفت و خواری را برای فقرا به ارمغان آوردید. همان هایی که ولی نعمتان ما هستند و شما هم به عنوان رییس جمهور مسوول اجرای حداقل دو اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی و مسوول ایجاد رفاه اجتماعی و امنیت خاطر برای آنان هستید.

شاید بپرسید که چرا برای من نامه ارسال می کنید؟ پاسخ من این است که سه نامه برای بهزیستی در خصوص فسادانگیز بودن و ناکارآمد بودن این مراکز و تبعات امنیتی آن نوشتم، سه جلسه با رییس سازمان و مدیران مرتبط داشتم، سه نامه در تاریخ های ۱۹ و ۲۸ مهر و ۱۸ آذر ۹۹ به وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی نوشتم (تصویر آن را هم به همراه این یادداشت منتشر می کنم) که دریغ از یک پاسخ از طرف وزیر به اصطلاح رفاه اجتماعی. به مشاور ارتباطات اجتماعی شما (آقای دکتر ربیعی چون جواب تلفن را نداند) هم پیام دادم.

آقای رییس جمهور در مراسم افتتاحیه و سایر مطالبی که در خصوص این مراکز مطرح شده است را بررسی می کردم متوجه چند گزارش غیر واقعی شدم که به برخی از آنان اشاره می کنم:

- استفاده از ۱۱ هزار نیروی داوطلب: آقای رییس جمهور این افراد داوطلب نیستند بلکه کارکنان بخش خصوصی هستند (که در ادامه توضیح خواهم داد که آیا این خصوصی سازی حمایت های اجتماعی به نفع فقر است یا ضرر شان؟)
- اشاره شده که بیست سال است این بند قانونی اجرا نشده است. ای کاش کمی بررسی می کردید که چقدر این گفته حقیقت دارد؟ سوابق سازمان را که نمی توان با حرف از بین برد. این هم اطلاعات غیر واقعی دیگر است. مجتمع های خدمات بهزیستی سالیان سال است که فعالیت دارند دستورالعمل ها خود گویای همین موضوع است. سال ۱۳۸۶ من خودم دبیر طرح تجمیع خدمات بهزیستی کشور بودم.
- اشاره کردند که مددکاری اجتماعی و خدمات بهزیستی را به درخانه ها بردند. این هم غیر واقعی است. بررسی کنید توانبخشی مبتنی بر جامعه حتی قبل از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (که سال ۸۰ تصویب شد) اجرا شد. پایگاه خدمات اجتماعی، پایگاه سلامت اجتماعی، فقر زدایی اجتماع محور، طرح اعتبارات خرد، اورژانس اجتماعی، مجتمع های خدمات بهزیستی روستایی، و... همه با همین ویژگی انجام می شدند و دارند می شوند. گرچه برخی از این فعالیت های خوب، قربانی اجرای این مراکز مصیبت اجتماعی شدند که آقایان بگویند ما در دوره مدیریتی خودمان کاری انجام دادیم. فقط رزومه ساختن است و شما هم به عنوان رییس جمهور غیرمطلع در این حوزه به عشق گفتن « علی برکت ا...» این فضا را فراهم کردید. ولی به چه قیمتی آقای رییس جمهور، شما که مسوول اجرای اصول مذکور هستید؟
- مجتمع های خدمات بهزیستی از سال تاسیس بهزیستی بودند. (حتی قبل از انقلاب با عنوان مراکز رفاه خانواده و... فعالیت داشتند) من از سال ۱۳۷۵ کارشناس مجتمع خدمات بهزیستی بودم. حکم گارگزینی من برای مجتمع خدمات بهزیستی بود. ای کاش این افتتاح

را انجام نمی دادید. کسی که سالیان سال است که مجتمع خدمات بهزیستی دارد، کسی که پایگاه خدمات اجتماعی را از ۳۰ بهمن ۱۳۸۵ با حضور من (به عنوان مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی دور دوم) در بندرعباس راه اندازی کرده است، پایگاه سلامت اجتماعی (در حوزه پیشگیری) دارد، مراکزی که خدمات در منزل ارائه می کند و... و همه اینها که در طول سالیان مختلف گسترش پیدا کردند، چگونه شما را به عنوان رییس جمهور باور کنید در حالی که دارید روی واقعیت سرپوش می گذارید؟

- اشاره کردند که مددکار اجتماعی محور است. باز هم غیر واقعی است. من یک مددکار اجتماعی هستم (فعلا رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، عضو هیات ریسه منطقه آسیا و اقیانوسیه فدراسیون جهانی مددکاران اجتماعی و کمیسر اخلاق فدراسیون هستم). کدام بخش از این برنامه با اصول و ارزش های مددکاری اجتماعی همخوانی دارد؟ اتفاقا این طرح برای تخریب مددکاری اجتماعی است. به نام مددکار اجتماعی تخریب مددکاری اجتماعی هدف قرار گرفته است. مخالفت تیم پزشکی حاکم بر ساختمان پزشکان (به اشتباه سازمان بهزیستی) با مددکاری اجتماعی آنچنان واضح است که بر هیچ کسی پوشیده نیست.

- اشاره کردند که برای جلب مشارکت مردم است. آقای رییس جمهور این فعالیت بخش خصوصی است نه خیریه یا سازمان مردم نهاد. مشارکت های مردمی در بهزیستی و سازمان های حمایتی تعریف خاص خود را دارد. دغدغه مقام معظم رهبری در خصوص بهره گیری از ظرفیت های مردمی بسیار درست است. ولی نام بخش خصوصی یعنی فعالیت برای کسب درآمد و سود. تجربه زیسته نشان می دهد که حتی برخی موسسات خیریه هم دارند فعالیت های اقتصادی می کنند تا چه رسد به موسسات خصوصی. جلب مشارکت مردم با خصوصی سازی از زمین تا آسمان فاصله دارد. خصوصی سازی خدمات اجتماعی و کالاهای عمومی ظلم در حق فقراست که شما به راحتی برای این موضوع گام پیش گذاشتید. موسسه خصوصی که نتواند درآمد کافی داشته باشد (که قطعا در این مراکز نخواهند داشت) چند راه بیشتر پیش روی نخواهد داشت: بعد از مدتی تعطیل خواهند کرد، یا از کیفیت حداقلی خدمات می زنند، یا باید از جیب خودشان هزینه کنند. که به اصطلاح با عقل جور در نمی آید، یا مجبور خواهند شد غیر شفاف عمل کنند. فسادهای دیگری هم می تواند باشد. همین اعتماد حداقلی را هم با این برنامه بهزیستی از دست خواهد داد. هم برای رییس محترم بهزیستی و هم برای وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی نوشتم که این کار می تواند فسادانگیز باشد دریغ از این که بپرسند چگونه این اتفاق می افتد؟

- آقای رییس جمهور، خصوص سازی خدمات اجتماعی و کالاهای عمومی یعنی تدبیر دولت برای فرار از مسوولیت خود در قبال مردم نیازمند و فقیر. مردمی که در دوران ریاست جمهوری شما عمیق تر شدن زخم فقر را هر روز بیشتر از دیروز شاهد هستند و دردش را هم می کشند. البته شما این را تدبیر و من این را بی تدبیری می دانم. چون گسترش چنین شرایطی تبعات امنیتی هم خواهد داشت. در چنین شرایطی که هر روز فقرا، فقیر تر می شوند انتظار این است که چتر حمایت دولت برای این افراد بیشتر شود ولی گویا برعکس شده است و دولت شما استراتژی فرار رو به جلو را با این موضوع که کار را به مردم واگذار کرده، انتخاب کرده است. بهره گیری از ظرفیت های مردمی و جلب مشارکت به منزله خصوص سازی نیست. خصوص سازی در این حوزه یعنی قفل زدن بر دهان فقرا. فقرایی که همه چشم امیدشان باید به دولت باشد، حالا از دولت دارند زخم می خوردند. همین چند روز قبل بود که مقام معظم رهبری برای چندمین بار از گرانی ها و فشار به مردم گلایه کرد. آقای رییس جمهور!!! همیشه پای منبرها به ما به نقل از پیامبر اکرم(ص) می گفتند که فقر همسایه کفر است. خیلی متوجه نمی شدم. ولی بعد از چندین سال کار فعالیت در حوزه آسیب های اجتماعی و مددکاری اجتماعی متوجه شدم همسایه کفر بودن یعنی عادی شدن فروش شرف توسط نوامیس مان و مردان مان از روی ناچاری، قانون گریزی، نداشتن عزت نفس و.... آقای رییس جمهور، نه شما نه وزیر به اصطلاح رفاه شما متوجه نمی شوید، یعنی چه. چون فقط لبخند مردم را پشت شیشه ماشین تان می بینید و سرکیف می شوید که مردم شاد و شاداب هستند (طبق فرمایش خودتان).

- اینگونه جلوه دادید که ۲۴۰۰ مرکز جدید تاسیس شدند. این هم غیر واقعی است. برخی از مراکز تابلوها را تغییر دادند حتی مکان شان هم تغییر نکرد. در عوض مراکز تخصصی کلینیک های مددکاری اجتماعی به خاطر این مراکز مصیبت اجتماعی تعطیل شدند. باز هم به شما اطلاعات درست ندادند و شما هم به مردم اطلاعات درست ندادید.

- آقای رییس جمهور به عنوان کسی که بیشتر از شما و وزیر شما و رییس بهزیستی خاک حوزه اجتماعی را خورده است به شما می گویم ممکن است تا دولت شما هست این مراکز به زور پول و ... باز باشند ولی میراثی که برای دولت بعدی می گذارید (چون در مثل مناقشه نیست) داستان انداختن سنگ توسط یک دیوانه در یک چاه است که هزار عاقل هم نمی توانند بیرون بیاورند. معلوم نیست آن زمان شما و یاران تان کجا هستید (البته بعضی ها احتمالا جای دیگر را برای خود آماده دارند) ولی بدانید سرگردانی مردم فقیر،

افراد دارای معلولیت و... همین به اصطلاح بخش خصوصی حداقل این مشکلات خواهد بود.

- آقای رییس جمهور!! حتما این را شنیدید که هر کسی را بهر کاری ساخته اند، بهزیستی یک سازمان اجتماعی است و افرادی از جنس حوزه اجتماعی را نیاز دارد. بی دلیل نیست که در دین مبین اسلام بر شایسته گزینی تأکیدات زیادی شده است. سازمان اجتماعی که رییس آن متخصص آلرژی اطفال کودکان باشد، جانشین رییس سازمان، معاونین امور اجتماعی و فرهنگی، توانبخشی، پیشگیری، توسعه مدیریت و منابع انسانی، مرکز تحول اداری و فناوری اطلاعات، امور فرهنگی، توانمندسازی زنان و خانواده و... رشته تحصیلی شان پزشکی باشند دیگر سازمان اجتماعی نیست. بهزیستی از وزارت بهداشت هم بهداشتی تر شده است حتی زمانی که بهزیستی زیر نظر وزارت بهداشت بود اینقدر حساسیت روی انتصاب پزشکان در جاهای غیرتخصصی نبود که الان که در وزارت رفاه اجتماعی وجود دارد. در وزارت بهداشت هم معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی اش پزشک نیست که در بهزیستی اینگونه است. در تمام تغییرات مدیریتی استان ها در طی این دو سال فقط پزشکان جایگزین شدند (منظور من فرد خاصی نیست بلکه نحوه انتصابات است). سکوت وزیر رفاه اجتماعی به چه معناست؟ غیر از این می تواند باشد که مجوزی داده شده است؟ شاید هم... بی مناسبت نمی بینم اشاره داشته باشم به آنچه که در دین اسلام بر آن تأکید شده است که شما بیشتر و بهتر از من می دانید. آنچه که در دین اسلام بر آن تأکید شده، واگذاری مسوولیت و پذیرش مسوولیتی که تخصص و صلاحیتش را نداریم هر دو، نوعی خیانت محسوب می شود که با اخلاق مغایرت دارد. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می فرماید: اگر کسی شخصی را به عنوان رئیس بر چند نفر بگمارد و بداند در میان آنها یکی شایسته تر از او وجود دارد به خداوند و پیامبر او و تمامی مسلمین خیانت کرده است. همچنین در جای دیگر می فرماید: اگر کسی کاری را بپذیرد و بداند شایسته آن نیست، جایگاه او در قیامت، آتش خواهد بود». فقط کمی تأمل کافی است که ببینید با بهزیستی چه کردید آقای رییس جمهور؟ من این موارد را بارها و بارها گفتم و نوشتم و خواهم گفت و نوشت. هزینه اش را هم پرداختم و می پردازم. چون بیان حقیقت هزینه دارد بر خلاف آنچه که شما در منشور حقوق شهروندی نوشتید در دولت شما نقد کارشناسی و حق گویی ها، در سازمان های دولتی هزینه دارد. البته من این را هزینه نمی دانم. شاید برسید که چرا دیگران انتقاد نمی کنند. کاری به دیگران ندارم. خیلی از مدیران و کارشناسانی که در این دوران سکوت پیشه کردند حتما مصلحت و منفعت ( و شاید هم برمبنای تشخیص ) خود را در سکوت می بینند. (شاید هم

انتقاد کردند و من اطلاع ندارم) بدون شک همه کسانی که حتی با سکوت خود شرایط را بر فقرا سخت تر می کنند و سقوط سازمانی را می بینند آنها هم باید پاسخگو باشند. خدا را سپاس می گویم که هنوز بی تفاوت نشدم.

- آقای رییس جمهور از بهزیستی چیزی نمانده است. مهد کودک که رفت (چگونه رفتن مهم نیست، بلکه عملکرد موجب نارضایتی و در نهایت این تصمیم شد)، مشاوره اش را هم سازمان نظام روانشناسی و مشاوره و قوه قضاییه، وزارت ورزش و جوانان گرفتند، سازمان های دیگر هم که مراکز مشاوره تاسیس می کنند کاری هم به بهزیستی ندارند، اعتیاد را هم که دستگاه های مختلف ورود پیدا کردند، زنان سرپرست خانوار و خانواده های نیازمند را هم بهزیستی کمتر از ۳۰۰ هزار خانواده و کمیته امداد بیش از ۲۲۰۰ هزار نفر را تحت پوشش دارد که ادغام آن کاری سخت برای کمیته امداد نخواهد بود. اگر ایتام را هم که کمیته امداد انجام می دهد و... مصاحبه ای رادیویی را چند وقت قبل از سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس آقای دکتر بابایی کارنامی شنیدم که بهزیستی در نهایت می تواند یکی از معاونت های کمیته امداد باشد. توانبخشی را هم که وزارت بهداشت متعلق به خود می داند، با تشکیل سازمان امور اجتماعی هم که موضوع آسیب های اجتماعی و... در آنجا مدیریت و توزیع منابع می شود، سلامت اجتماعی را هم وزارت بهداشت متعلق به خود می داند و حتی نام دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی را به دانشگاه توانبخشی و سلامت اجتماعی تغییر نام داده است (معتقدم فقط به تغییر نام بسنده نخواهد شد، در آینده وظیفه حوزه سلامت اجتماعی را هم متعلق به خود خواهند کرد)، بودجه ارتقاء سلامت اجتماعی هم وزارت کشور توزیع می کند در حالی که طبق ماده ۵۷ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور، بهزیستی متولی سلامت اجتماعی است، حاشیه نشینی را هم که وزارت راه و شهرسازی و وزارت کشور مدیریت می کنند و... اینکه چه برای بهزیستی گذاشتید من نمی دانم. ولی این را می دانم که بدترین دوران را بهزیستی دارد در عمل تجربه می کند. همه بهزیستی را به راه اندازی چند سامانه و... خلاصه نکنید. دولت الکترونیک سیاست دولت ها بوده و هست (تجربه زیسته نشان می دهد که سامانه سلامت نمی آورد). شما هم که کاری ندارید. بهزیستی از جایگاه وزیر مشاور به چنین خواری رسیده است. این یعنی ظهور خوب و سقوط غیر قابل پذیرش برای بهزیستی. وقتی روز افتتاحیه ۲۴۰۰ مرکز، از وزیر پرسیدید پول ۱۱ هزار نفر را از کجا می آورید؟ متوجه شدیم که نمی دانید چه چیزی را با چه شرایطی دارید افتتاح می کنید. افسوس خوردم که ای کاش این اشتباه را انجام نمی دادید. در دولت شما مهمترین کاری که انجام شد عمیق تر شدن زخم فقرا و افزایش

تعداد فقرا ست. این کار شما بیشتر درد شان می آورد. وقتی برای سبد/یارانه معیشت حدود ۷۰ میلیون از جمعیت ۸۵ میلیونی شرایط دریافت را دارند این دیگر نیاز به هیچگونه تعبیر و تفسیری در خصوص شرایط فقر ندارد. همه چیز را به تحریم، برجام و کرونا ربط ندهید آقای رییس جمهور. نمی خواهم منکر تاثیرات این شرایط شوم، ولی شایسته گزینی که ربطی به کرونا، تحریم و برجام و.. ندارد. به نظر می رسد شما و وزیرتان هدفمند دارید بهزیستی را از افراد اجتماعی خالی می کنید. وقتی وزیر رفاه اجتماعی در ابتدای حکم رییس محترم سازمان بهزیستی نوشته بودند که «نظر به شایستگی‌های علمی، تخصص» تعجب کردم که چه ارتباطی بین «فوق تخصصی آلرژی و ایمونولوژی بالینی اطفال» و وظایف بهزیستی وجود دارد من که متوجه نشدم. حتما شما متوجه شدید.

- آقای رییس جمهور خیلی طولانی شد. نامه را تنها نوشتم تا کسی زیر این نامه را امضاء نکند و نخواستم طومار تهیه کنم و ... چون شما و مدیران دولت شما نشان دادید که نقد کردن و حرف حق زدن، هزینه دارد. لذا خودم هزینه این یادداشت را به عنوان مددکار اجتماعی و به عنوان شخص حقیقی می پردازم، همانگونه که تا الان هم بارها و بارها پرداختم. پست کارشناسی پایین تر به من با مدرک دکتری مددکاری اجتماعی تعلق نمی گرفت والا پایین تر را هم می دادند. منتظر توبیخ و .. شما هستم ولی به خاطر فقرا هم شده که شجاعت نشان دهید به جای بیانیه دادن، اهداء لوح سپاس (دوستی می گفت احتمالا بعد از این نامه تلاش می شود تا رییس محترم بهزیستی تقدیر شود، یا ارتقاء پیدا کند و.. یا عده ایی هم داوطلبانه!!! به دفاع از عملکرد ایشان بیانیه دهند و نامه بنویسند و... (دستور بررسی منصفانه بدهید. من همه راه های اداری را رفتم ولی وزیر شما که دم از شفافیت می زند حاضر به گفت و گو نبود. چاره ایی نداشتم جز اینکه این نامه سرگشاده را با همه هزینه هایش بنویسم. نوشته ها و دردل ها و دغدغه هایم فقط برای مردم است. والا اینقدر باهوش هستم که بدانم اگر نقد کارشناسی نکنم و مثل خیلی ها هر چه گفتند سر تکان بدهم و بله قربان گو باشم، حتما پست بالاتر می گیرم و درآمد هم بیشتر می شود. ولی نه سکوت بیجا می کنم و نه سرتکان می دهم.

- آقای رییس جمهور در خانواده ایی زندگی می کنم که چهار نفر مان مددکار اجتماعی هستیم و هیچ کدام مان نه مرکز خصوصی داریم و نه با مراکز خصوصی کار می کنیم. پس نگران متضرر شدن خودمان با راه اندازی مراکز مصیبت اجتماعی نیستیم. حقیقت را از روی دلسوزی و مسوولیت پذیری در قبال مردم کشور عزیزم ایران اسلامی می گویم با تحمل همه هزینه هایش. چون سکوت را خیانت می دانم. نمی دانم پاداش یا سزای ارابه

اطلاعات غیر واقعی و یا صداقت از منظر شما چیست؟ ولی برای شما، مردم شریف ایران و همکارانم در بهزیستی و افراد تحت پوشش سازمان بهترین ها را آرزو می کنم و امیدوارم نگرانی های من جامه عمل نپوشاند که اگر در عمل اتفاق بیفتند شرایط سختی را پیش رو خواهیم داشت.

دکتر سیدحسین موسوی چلک

مددکار اجتماعی

تهران-۲۲ اسفند ۱۳۹۹

توضیح: لطفا برای بازنشر فقط از عنوان «مددکار اجتماعی» استفاده شود.